

## تبیین ابعاد اخلاقی پژوهش‌های تربیتی و رسالت مراکز آموزشی و پژوهشی

دکتر سید مهدی سجادی\*

علی عبد الله یار\*\*

### چکیده

پرداختن به ابعاد اخلاقی انجام پژوهش‌های تربیتی، در کنار توجه به ملاحظات محتوایی، ساختاری، ماهیتی و روش‌شناختی آن اهمیت بسیار دارد؛ چنان‌که بی‌توجهی به ابعاد و ملاحظات اخلاقی انجام و اجرای یک پژوهش می‌تواند زیان‌های بسیاری را برای موضوعات یا آزمودنی‌های مورد تحقیق به دنبال داشته باشد. این زیان‌ها می‌توانند اعم از افشای اسرار آزمودنی‌ها، دستکاری در داده‌ها، ارایه‌ی تفسیرهای غلط و مغرضانه، سوءاستفاده‌ی سازمان‌ها و مراکز مرتبط با تحقیق از داده‌ها یا تفاسیر و بهره‌برداری‌های جانبدارانه‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشند. پرهیز از زیان‌های مذکور، از یک سو، مستلزم رعایت الزامات، اصول، قواعد و ملاحظات اخلاقی حاکم بر اجرای یک تحقیق، و از سوی دیگر، برخورداری افراد محقق از مجموعه‌ای از صفات و فضایل اخلاقی مرتبط با انجام یک پژوهش است. پرداختن به این اصول، قواعد و فضایل از اهداف تدوین مقاله‌ی حاضر است.

واژه‌های کلیدی: ابعاد اخلاقی تحقیق، اصول، قواعد، فضایل، بهره‌برداری از نتایج تحقیق، ارزش‌های دموکراتیک

### مقدمه

امروزه بیشتر همت پژوهشگران حوزه‌ی تربیتی متوجه تدوین ساز و کارهای محتوایی و روش‌شناختی پژوهش‌های تربیتی است و هدف، بهبود روش‌ها و خط‌مشی‌های انجام یک پژوهش تربیتی است. در این مسیر به پارادایم‌ها، پیش‌فرض‌ها، مبانی فلسفی و روان‌شناختی این دسته از تحقیقات توجه می‌شود. در واقع، پرسش‌هایی چون: پیش‌فرض‌های یک تحقیق کدام‌اند؟ سؤالات یک پژوهش چگونه باید تنظیم شوند؟ آیا یک تحقیق لزوماً باید فرضیه داشته باشند؟ مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی یک پژوهش تربیتی کدام‌اند؟ کدام رویکرد پژوهشی باید مبنا قرار گیرد: رویکرد پوزیتیویستی عینیت‌گرا و رئالیستی یا رویکرد ذهنیت‌گرایانه، ایده‌آلیستی و تفسیری (بورل و مورگان، ۱۹۷۹)؟ روش‌های کمی معتبرند یا روش‌های کیفی؟ آیا اصولاً می‌توان از یک پژوهش صرفاً کمی سخن گفت یا امکان انفکاک این دو نیست (هامرسلی، ۱۹۹۸)؟ ارتباطات ممکن بین تحقیقات کمی و کیفی چگونه است (برایمن، ۱۹۸۴، ص ۹۲)؟ تفاوت ماهوی تحقیقات، در حوزه‌ی علوم اجتماعی از جمله تحقیقات تربیتی با دیگر حوزه‌ها کدام‌اند (جکسون و کارتر، ۱۹۹۱، ص ۱۲۷)؟ در سر لوحه‌ی اقدامات و مطالعات مربوط به چگونگی انجام یک پژوهش تربیتی وجود دارند؛ اما متأسفانه، کمتر به این سؤال اساسی پرداخته شده است که ابعاد اخلاقی انجام یک پژوهش تربیتی کدام‌اند و برای انجام یک پژوهش تربیتی به چه ملاحظات اخلاقی (اعم از فلسفه‌ی اخلاقی حاکم بر انجام یک تحقیق، اصول و قواعد اخلاقی و منش‌ها و فضایل محقق) باید توجه شود؟ تلاش این مقاله دست‌یابی به پاسخ سؤال اخیر است که محقق در توجیه عمل خود به آنها متوسل می‌شود.

### علم اخلاق

همچون بسیاری از امور، پژوهش‌های تربیتی ابعاد اخلاقی دارند. مسئولان تحقیقات تربیتی باید استلزامات و ابعاد اخلاقی این نوع تحقیقات یا پژوهش‌ها را رعایت کنند. واژه‌های «علم اخلاق»<sup>۱</sup> و «اخلاق»<sup>۲</sup> اغلب، به جای هم به کار می‌روند و این امر بیانگر استفاده‌ی نامناسب از کلمه‌ی «علم اخلاق» است.

1. ethics

2. moral

فیلسوفان بین کلمه‌های «اخلاق» (که با موضوعاتی از قبیل چه چیزها یا چه کارهایی درست یا نادرست هستند سر و کار دارد.) و «علم اخلاق» (بحث در مورد فلسفه‌ی اصول یا احکام اخلاقی) تمایز قایل می‌شوند. به نظر سیمونز (۱۹۸۱) متناظر با منطق تحقیقات تربیتی، کلمه‌ی «علم اخلاق» به جست و جوی قواعدی از رفتار اشاره می‌کند که ما را قادر می‌سازند در انجام تحقیقات آموزشی - تربیتی، عملکرد قابل قبولی داشته باشیم؛ به هر حال «جست و جوی قواعد» حد اقل، یک بعد اخلاقی مهم در تأمل و تحقیق درباره‌ی رفتار آدمی است (سیمونز، ۱۹۹۵، ص ۴۲۵).

در این مقاله، بیشتر به تبیین تأملات اخلاقی مرتبط یک پژوهش تربیتی می‌پردازیم تا داوری‌های اخلاقی خاص. تفکر اخلاقی نوعی تفکر عملی است؛ بنا بر این محقق تربیتی، در تحقیقات خود و برای ارایه‌ی داوری‌های حرفه‌ای، با همان نوع الزامات اخلاقی‌ای مواجه است که معلم، هنگام عمل تربیتی، در کلاس تأمل درباره‌ی ارزش‌هایی که تحقیق را شکل می‌دهند و راه‌های عینی نمودن این‌گونه ارزش‌ها در فعالیت‌های تحقیقی نیازی همیشگی است.

تأملات اخلاقی گوناگونی در مورد انجام تحقیق مطرح‌اند. بین تأملاتی که مربوط به اصول کلی (عمومی) عمل تحقیق و آنهایی که مربوط به منش‌ها و خصوصیات محقق‌اند، تمایز است. علم اخلاق به ماهیت احکام و داوری‌های اخلاقی می‌پردازد و با این سؤال اخلاقی سر و کار دارد که چه اعمالی (کارهایی) را باید انجام دهیم؟ درست شبیه این سؤال ریاضیاتی که «مؤثرترین راه برای حل یک مسئله در ریاضیات چیست؟» هر دوی این سؤالات صبغه‌ی عملی دارند. برای تحقق یک فعل یا عمل اخلاقی و برای حل یک مسئله‌ی ریاضی نیازمند اصول خاصی هستیم و ارزش عمل اخلاقی و ریاضیاتی به اصول مربوط به خود است.

اصول، کاربرد کلی دارند و به تمایلات محقق بستگی ندارند. به واسطه‌ی وجود اصول، اشخاص شیوه‌های عمل یکسانی را در انجام تحقیق خواهند داشت؛ برای مثال این پرسش که چرا باید فلان خط مشی را بپذیریم یا با این فرد به این شیوه رفتار کنیم؟ از یک سو، بر حاکمیت اصول بر رفتار و عملکرد محقق، و از سوی دیگر، بر تشابه و یکسانی عمل ما دلالت دارد. خاصیت وجودی اصول روشن نمودن دلایل حاکم بر رفتار و عمل افراد است؛

برای مثال در پاسخ به این پرسش که چرا باید به فلان شیوه‌ی خاص عمل نمود؟ می‌توان گفت به دلیل اینکه احتمالاً، انجام این عمل باعث خواهد شد خوشحال شوند. و یا وقتی گفته می‌شود که فرد باید راستگو باشد و یا با دیگران به گونه‌ای درست رفتار کند، به دلیل این است که او انتظار دارد دیگران با او چنین رفتاری داشته باشند؛ بنا بر این، خوشحال شدن مردم و یا عمل کردن مطابق انتظارات مردم، از جمله اصولی هستند که رفتارهای ما را هدایت می‌کنند؛ چنان که حق اطلاع داشتن یا دانستن<sup>۱</sup> از جمله اصولی است که ما باید در تحقیقات تربیتی به آن توجه نماییم.

بین اصول و قواعد تفاوت هست. قواعد، ویژه و تخصصی‌ترند و کمتر توصیف و تفسیرشدنی هستند؛ به همین دلیل، کاربران و پشتیبانان یک تحقیق ممکن است به اجرای قواعد خاص انجام تحقیق اصرار داشته باشند. از آنجایی که خود کاربران و پشتیبانان بودجه‌ی این تحقیقات را پرداخت کرده، آن را تضمین می‌نمایند، چگونگی ارابه و اجرای دقیق این تحقیقات را تعیین می‌نمایند.

وجود چنین قواعدی به این معنی است که فرد، در موقعیت X باید Y را انجام دهد. این قواعد پیچیدگی‌های<sup>۲</sup> زندگی را می‌افزایند و آزادی یا گشودگی<sup>۳</sup> در ارابه‌ی تفاسیر مربوط به آن را تا حدودی محدود می‌کنند. چنین قواعدی آزادی‌های نامحدود در زندگی را محدود و کنترل می‌کنند؛ برای مثال در فعالیت‌های روزانه همچون رانندگی با این قاعده رو به رو هستیم که «از سمت چپ حرکت کنید» یا «هرگز از خط دوپل سفیدرنگ سبقت نگیرید».

در اجرای تحقیق نیز با قواعدی رو به رو هستیم که هیچ تفاوتی با قاعده‌ی یاد شده ندارند. همان گونه که قاعده‌ی رانندگی بر این اصل است که «شخص باید به گونه‌ای رانندگی کند که به کسی آسیب نرساند، بر قواعد اجرای تحقیق نیز ممکن است این اصول حکم‌فرما باشند که تحقیق باید جوابگوی سؤالات کاربران و پشتیبانان باشد؛ یا به آسیب‌های احتمالی که ممکن است برای موضوعات یا آزمودنی‌های تحقیق به وجود آیند، توجه داشته باشد؛ بنا بر این، قواعد تحقیق، بر اصول آن استوارند و اصول آن بیانگر ارزش‌هایی هستند که در شکل‌دهی و مناسب‌سازی قوانین، در موقعیت‌های

1. right to know  
2. ambiguities  
3. openness

گوناگون انجام تحقیق نقش دارند. توجه به اصول تحقیق مهم است؛ زیرا ممکن است تدوین قواعد و قوانین مدیریت و اجرای تحقیق، بر اساس مطامع و وسوسه‌های سیاسی و اخلاقی پشتیبانان تحقیق صورت گیرد؛ چنان که انتشار نتایج تحقیق ممکن است تابع ملاحظات سیاسی، اخلاقی و اجتماعی باشد.

آنچه ضروری است توضیح و تشریح اصول حاکم بر قواعد تحقیق برای استفاده در موقعیت‌های خاص است. در صورتی که شناخت و آگاهی ما کامل باشد، می‌توان با استفاده از اصول اخلاقی حاکم بر تحقیق، تصمیمات گوناگونی، در موقعیت‌های مختلف گرفت؛ تصمیماتی که می‌توانند بر تأملات اخلاقی استوار باشند.

با وجود اینکه تعداد اصول اساسی بسیار زیاد هستند، فرد باید بین اصولی که بر نتایج عمل یا اجرای تحقیق تأکید و آنها را برجسته می‌کند و اصولی که به نتایج توجهی نداشته، بر قواعد اساسی خاص مدیریتی تأکید دارند، تمایز قایل شود؛ به عبارت دیگر، اصول حاکم بر تحقیق دو گونه‌اند: اصول پیامدگرا و اصول اجرامحور (که به تدوین قواعد تحقیق منجر می‌شوند)؛ برای مثال اصل «جست و جوی سعادت» به عنوان هدفی نهایی یا ارزشی اخلاقی، نتایج اعمال شخص را توجیه می‌نماید؛ اما اصل «گفتن حقیقت یا انجام یک رفتار خاص» به قواعد اساسی اجرای تحقیق اشاره دارد. این گونه ارزش‌های اخلاقی هدایت‌کننده‌ی رفتار شخص در موقعیت‌های گوناگون هستند؛ اما در تصمیم‌گیری درباره‌ی اینکه کدام اصل در موقعیت‌های گوناگون غالب باشد، مشکل پیش می‌آید؛ زیرا کاربرد اغلب اصول به موقعیت‌ها بستگی دارد و ممکن است در موقعیت‌های مختلف، مغایر یکدیگر به نظر برسند؛ برای مثال گفتن حقیقت (با وجود آنکه خوب است). در مواردی ممکن است ناخرسندی بسیاری به وجود آورد. گفتن حقایق، در برخی موارد ناراحت‌کننده است و این حقایق برای رعایت حرمت انسانی باید مخفی نگاه داشته شوند.

تاریخ اخلاق، تاریخ فلیسوفانی است که در زمینه‌ی برخی اصول کلی، نظرات گوناگونی دارند. افراد فایده‌گرا<sup>۱</sup> به تأمین سعادت و رفاه برای تعدادی از مردم بسیار اهمیت می‌دهند. یک گروه خواستار برپایی عدالت، انصاف و جوانمردی هستند و گروهی دیگر، احترام به اشخاص را در کانون تأملات و تفکرات اخلاقی خود قرار

---

1. utilitarian

می‌دهند. اینها بیانگر پیچیدگی بحث اخلاق و ابعاد اخلاقی تحقیق‌اند. محقق در روند تحقیق با بحث‌های اخلاقی و عملی پیچیده‌ای مواجه می‌شود که بیشتر اوقات تشخیص داده نمی‌شوند؛ بنا بر این، آنها یا متوجه ابعاد اخلاقی عملی که انجام می‌دهند، نیستند و یا تا حدی متعصبانه، برای طرد دیگران یک اصل اخلاقی را به کار می‌برند؛ مثل گفتن حقیقت (بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن).

اصولی که برای تحقیقات آموزشی اهمیت ویژه‌ای داشته - ولی اغلب در نظر گرفته نمی‌شوند - اول احترام به حرمت افرادی که در تحقیق شرکت می‌کنند، دوم، جنبه‌ی محرمانه بودن امور مربوط به این افراد و سوم، اصولی هستند که اهداف تحقیق را مشخص می‌سازند؛ یعنی در پی کشف حقیقت‌اند.

علاوه بر مسئله‌ی اصول و قواعد اخلاقی حاکم بر انجام یک پژوهش تربیتی که رویکرد اساسی در انجام پژوهش‌های تربیتی است، رویکرد دیگری در بحث‌های اخلاقی مربوط به انجام یک پژوهش مطرح است، که منش‌ها و نگرش‌های مناسب محقق است که در متون (ادبیات) تحقیقات تربیتی و یا در مدیریت و اجرای آنها، به‌ندرت به آنها توجه می‌شود. در کل، افراد طبق سرشت و شخصیت‌شان رفتار نموده، به همان صورت ارزش‌ها را مشاهده می‌نمایند؛ بنا بر این، صحبت درباره‌ی منش‌ها و نگرش‌های محقق، ضروری به نظر می‌رسد.

در کنار قوانین اخلاقی انسانی، قوانین مقدس هستند که لزوماً تضمین‌کننده‌ی اعمال فضیلت‌مندانه نیستند؛ چنان که با توسل به استدلال‌های پیچیده‌ی قانون‌گذاران شرع نیز نمی‌توان کسی را به یک زندگی اخلاقی کامل مجبور نمود. اضافه بر این، در تربیت اخلاقی، به جای استدلال اخلاقی محض باید برای پرورش افراد بافضیلت تلاش کرد؛ چنان که دیویی بر این باور است که نظام‌های آموزشی بیشتر به جای اینکه صرفاً، به انتقال و آموزش مفاهیم اخلاقی بپردازند، باید به ایجاد توان اخلاقی‌اندیشی (اخلاقی فکر کردن) در همه‌ی امور و زمان‌ها توجه نمایند. یک فرد تربیت‌شده‌ی اخلاقی، در تمامی فعالیت‌های خود، ملاحظات اخلاقی را رعایت می‌کند (دیویی، ۱۹۶۵، ص ۳۶). منظور از فضیلت، منش و عمل متناسب با موقعیت‌های خاص است و، فضایل اخلاقی، عقلانی و دینی را دربرمی‌گیرد.

فضایل اخلاقی، منش‌هایی چون شجاعت، مهربانی، سخاوت روح، درستکاری و عدالت را شامل می‌شود. به نظر افلاطون چهار فضیلت، ویژگی یک جامعه‌ی آرمانی‌اند:

خردمندی، شجاعت، خویش‌داری و عدالت. تحقق این فضایل در گرو این است که سه طبقه‌ی جامعه (رهبران، پاسداران و پیشه‌وران) به خوبی تربیت شوند و در جایگاه تعریف‌شده‌ی خود قرار گیرند. فرد تربیت‌شده نیز دارای همان چهار فضیلت است و در روح خود سه جزء (خردمند، خشم و بی‌خرد) دارد که به سه طبقه‌ی جامعه شبیه‌اند. تحقق فضایل در فرد نیز مستلزم تربیت این اجزا و قرار گرفتن آنها در جایگاه ویژه‌ی خود است (یوسفی، ۱۳۷۶، ص ۸۲).

فضایل عقلانی، موضوعاتی را از قبیل درک حقیقت (نه فریب دادن مردم با دستکاری و تغییر دادها و اطلاعات)، آزادی انتقاد (نقد)، تمایل به شفافیت در تبادل نظر و دارا بودن شواهد و مدارک کافی شامل می‌شوند.

فضایل دینی به اقتضای ادیان متفاوت، فضایل خاص هستند. زمانی که شخص عملی یا قضاوت شایسته‌ای می‌کند، معمولاً این کار را بر اساس منش و خصوصیات شخصیتی‌اش می‌کند؛ بنا بر این، زمانی که بین موقعیت‌های پیچیده‌ی عملی و عینی تحقیق و اصول حاکم بر آن، تعارض پیش می‌آید، منش‌ها یا فضایل محقق می‌توانند این تعارضات را مرتفع نمایند.

به هر حال، در انتخاب محققین تربیتی - آموزشی باید، علاوه بر مهارت‌ها و دانش آنها برای انجام تحقیق، به فضایل آنها توجه داشت؛ البته در انتخاب معلمان نیز همین‌طور است. آنها علاوه بر تسلط بر موضوعات تدریس و مهارت، نیازمند منش و شخصیتی مناسب در تعامل با دانش‌آموزان هستند تا بتوانند قضاوت حرفه‌ای مناسبی داشته باشند.

یک تحقیق اساساً، درون چارچوبی از ارزش‌های جامعه انجام می‌شود. منظور از جامعه، اجتماع بزرگی است که در آنجا بین معلم و یادگیرندگان ارتباط برقرار می‌شود. متأسفانه، اغلب به جای تجزیه و تحلیل احکام تربیت اخلاقی، به فردیت اشخاص توجه می‌شود (پاور و ریمر، ۱۹۷۸). خصوصیات، مهارت‌ها، دانش و منش‌های شخصی - در صورتی که افراد بخواهند زندگی اخلاقی ایده‌آلی داشته باشند - باید بهبود یابند؛ اما فضایل بیشتر در جامعه (مثل خانواده، مدرسه، محله و...) رشد و توسعه می‌یابند. این اجتماعات برای فضایل ارزش‌قایل بوده، آنها را بخشی از زندگی خود در نظر می‌گیرند (کولبرگ، ۱۹۸۲).

## اصول

اصول (به عنوان مقوله‌ای فراگیر)، جنبه‌های مختلف تحقیق را روشن ساخته، در پی کشف حقیقت است و این امر تنها به «گفتن حقیقت» محدود نمی‌شود... هدف از انجام تحقیق، تولید دانش جدید است. دلایل جست و جوی دانش جدید عبارت‌اند از: بهبود روش‌ها (رویه‌ها)، ایجاد مبنای علمی برای ارتقای خط مشی‌ها، افزایش مسئولیت‌پذیری و حل مسائلی که به نظر محقق جالب‌اند؛ با وجود این، مهم‌ترین نکته برای نشان دادن اهمیت تحقیق، وصف تحقیق به منزله‌ی مقدمه‌ی تولید دانش جدید است.

تولید دانش جدید نیازمند دست‌یابی به داده‌های مربوطه است؛ بنا بر این، محققان شواهد لازم را برای حق دسترسی (دست‌یابی) به داده‌ها فراهم می‌آورند و در موارد گسترده‌تر، حق دسترسی به نتایج نیز باید فراهم شود. بدون چنین دسترسی‌هایی و بدون حق تبادل نظر، محقق هرگز قادر به درک موقعیت نخواهد بود. پیشرفت و رشد دانش از طریق انتقاد و تبادل نظر حاصل می‌شود.

وقتی که موضوعات مورد علاقه‌ی عموم مطرح‌اند، داشتن حق دسترسی به داده‌ها (حق دانستن) ضروری به نظر می‌رسد؛ موضوعات مورد علاقه‌ی عموم، اطلاع داشتن از سودمند بودن یا نبودن مؤسسات آموزشی، آگاهی از مداخلات سیاسی دولت یا کانون‌های قدرت، روش‌های تدریس ویژه (خاص) و... هستند؛ بنا بر این، فرد می‌تواند مخالفت‌هایی را که از جانب صاحبان قدرت در برابر انجام تحقیق صورت می‌گیرد، بررسی کند. تحقیق ممکن است به کشف واقعیات‌هایی منجر شود که برای اشخاصی که در رأس قدرت‌اند، ناخوشایند بوده، موجب شود مشکلات و یا آسیب‌هایی برای محقق به وجود آیند.

تحقیق در مورد نهادهایی چون مدارس، قدرت‌های محلی و کمیسیون‌ها و ادارات دولتی ممکن است در حالت اختفا انجام شود؛ اما محقق باید با آزادی کامل، از تصمیماتی که در این نهادها گرفته می‌شود، مطلع شود تا دریابد که این نهادها پاسخگوی انتظارات مردم هستند یا خیر؛ بنا بر این، در این مورد، حق دانستن، برای اجرای تحقیقات کامل و جامع و ارزیابی سیستم‌ها و تمرینات آموزشی ضروری است. علاوه بر آن ضروری است که یک تحقیق تحت تأثیر افرادی که از آن سود می‌برند و یا متضرر می‌شوند، قرار نگیرد تا نتایج آن بتوانند واقعیات‌ها را نشان دهند؛ نه اینکه تنها،



تأمین‌کننده‌ی حقوق و منافع مدافعان آن باشد. این مطلب بیانگر اهمیت «حق مطلع شدن» است؛ حتی زمانی که انجام تحقیق و افشاگری آن به افراد و نهادهای مورد تحقیق و تفحص آسیب نرساند.

گلدشتین و میرز (۱۹۹۶) بر این باورند که الزام به انتشار نتایج تحقیق، به طور اجتناب‌ناپذیری ممکن است به مؤسسات و نهادهای مرتبط آسیب برساند؛ با وجود این، اگر چنین داده‌ها و نتایجی در دسترس عموم قرار نگیرند، بیم آن می‌رود که مدارس از عملکردهای یکدیگر مطلع نشوند و فشار کمتری برای بهبود عملکردهای خود احساس نمایند...؛ بنا بر این والدین حق دارند از این اطلاعات مهم باخبر شوند (گلدشتین و میرز، ۱۹۹۶، ص ۱۳).

جست و جوی دانش و حق اطلاع داشتن، اصلی نیست که تنها به نتایج یک عمل مربوط باشد؛ بلکه اصل و شیوه‌ای واقعی در پذیرش و قبول تحقیق است. توجیه چنین اصلی در بحث میل، در مقاله‌ای با عنوان «آزادی» به طور ضمنی بیان شده است: «سکوت، زمانی که باید نظر داد و مطلبی را بازگو نمود، نادیده گرفتن حقوق بشر است که نه تنها نسل آینده، بلکه نسل فعلی را هم شامل می‌شود. در حالتی که تعداد مخالفان ایده‌ای بیشتر از موافقان آن است، اگر نظر موافقان درست باشد و آنها سکوت کنند، فرصت تغییر اشتباه و رسیدن به حقیقت را از دست می‌دهند و اگر نظر آنها اشتباه باشد، از تأثیر مهم حقیقت که از اصلاح مجدد اشتباهات حاصل می‌شود، محروم می‌شوند. در حقیقت، آنها تأثیر فعال بیان حقیقت را که از کشمکش‌ها و تعارضات بین اشتباهات حاصل می‌شود، از دست می‌دهند (میل، ۱۸۵۹).

دسترسی به اطلاعات، پیش‌شرط بحث درباره‌ی ایده‌ها، خط مشی و عملکردهاست؛ بنا بر این، در بحث میل اصل حق اطلاع، حق اساسی هر جامعه‌ای است - البته اگر جامعه در پی از بین بردن اشتباهات باشد و رسیدن به حقیقت را یک ارزش بداند - بنا بر این شایسته است که افراد علاقه‌مند به پژوهش و کشف حقیقت، تحقیق را انجام دهند.

در تحقیق، قطعیت کامل نیست؛ بنا بر این احتمال دارد فرد پیوسته، با نتیجه‌گیری‌های غلط و خودفریبانه<sup>۱</sup> مواجه شود. شخص باید این اشتباهات را بپذیرد؛ نه اینکه انتقادات سازنده به تحقیقات و گزارش‌ها را رد کند.

1. Self-deception

درباره‌ی حق اطلاع داشتن و انتشار نتایج تحقیقات به اصول زیر نیز باید توجه کرد: اولاً، شخص هرگز نمی‌تواند به طور کامل، نتایج اعمالش را فراموش کند؛ با وجود این، افراد درستکار ممکن است تنها مواردی را که به پیشرفت منجر می‌شوند، در نظر بگیرند و ملاحظه‌کاری نکرده، فقط به حقیقت تحقیق توجه داشته باشند. در این صورت، آیا باید نتایج تحقیق درباره‌ی مدرسه یا معلمان گزارش شوند؟ آیا محقق علاوه بر در نظر گرفتن حق افراد برای اطلاع داشتن، باید به خطرات احتمالی برای معلم و تنزل جایگاه او در مدرسه توجه کند و از انتشار نتایج تحقیق خودداری نماید؟ این موارد بیانگر مشکلات تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف هستند؛ اما در هر صورت، باید به حقوق افراد شرکت‌کننده در تحقیق مخصوصاً داوطلبان احترام گذاشت.

ثانیاً، گاهی اوقات احتمال دارد تعارض و کشمکش بین حق اطلاع داشتن و جنبه‌ی محرمانه ماندن منبع، متن و آنچه از تحقیق جمع‌آوری شده است، به وجود آید. هیچ اصلی برای حل این تضاد نیست؛ با وجود این، تحقیق در چنین مواردی اغلب، تنها تحت شرایط محرمانه ممکن است. حتی وقتی که چنین حالت محرمانه‌ای به شکل رسمی مورد توافق همه نیست، محقق ممکن است احساس وظیفه کرده، نسبت به داوطلبان و مصاحبه‌شوندگان دقت و حساسیت بیشتری داشته باشد.

اگر تحقیق‌شوندگان آثار مهم افشای مطالب را درک نکنند، افشای مطالب ممکن است باعث شود برنجدند و تصور کنند به آنها خیانت شده است؛ درست مثل افشای مکالمات خصوصی دو دوست که خیانت محسوب می‌شود.

ثالثاً، ادعاهای حقیقی باید احتیاط‌آمیز باشند و نتایج تحقیق همیشه باید، در پرتو شواهد و بحث بیشتر مجدداً مرور شوند؛ بنا بر این، محقق باید نسبت به فهم مدعایش، محتاط باشد و هیچ چیز را قطعی فرض نکند. در تحقیق، به ندرت، سخن از قطعیت می‌شود و بهتر است آنچه از نتایج موقت حاصل می‌شود در پرتو شواهد موجود، بررسی و اثبات شود و اگر موارد اشتباهی وجود دارند، تصحیح و پالایش شوند و همیشه، زمینه‌ی بحث و انتقاد از آن فراهم باشد. در واقع، این موارد بخشی از تبادل نظری هستند که برای ایجاد و اتخاذ سیاست‌های خردمندانه و قضاوت‌های حرفه‌ای<sup>۱</sup> لازم‌اند. در حقیقت، تحقیق و تفسیر نتایج ممکن است آن قدر پیچیده و دشوار باشند که تجربه و

1. professional judgment

تحلیل عادی و قطعی بیشتر باعث شود افراد گمراه شوند. همان طور که گلدشتین و میرز (۱۹۹۶) نقل می‌نمایند: «توانایی انعکاس واقعیات عینی راجع به مؤسسات ممکن است فوق العاده محدود باشد؛ بنا بر این، انتشار مطالب ممکن است باعث شود استنباط‌های نادرست درباره‌ی آنها شود. در چنین موقعیت‌هایی، معمولاً وضعیت‌ها و شواهد قانع‌کننده‌ای برای منتشر نکردن مطالب وجود دارد» (گلدشتین و میرز، ۱۹۹۶، ص ۱۴).

اما وقتی که انتشار مطالب ضروری است، باید این تذکرات آگاه‌کننده (توضیح محدودیت‌ها، قطعی نبودن یافته‌های تحقیق و احتمال خطای آن) در نظر گرفته شوند:

- به دلیل پیچیدگی واقعیات اجتماع و جایگاه ممتاز افراد شرکت‌کننده در دریافت این واقعیات‌ها، افرادی که خارج از مقوله‌ی تحقیق‌اند ممکن است موفق به درک تمام این پیچیدگی‌ها نشوند و به این دلیل، اهمیت افراد داخل تحقیق بیش از پیش نمایان می‌شود.

- مشکلات مربوط به اعطای حق کامل دانستن، اکنون از جمله زمینه‌های مورد تأکید در مدیریت تحقیق است؛ با وجود این، این اصول (همانند تمام اصول اخلاقی) باید در پرتو زمینه‌های خاص، از طریق بحث و بررسی دقیق، به قواعد عملی و اجرایی تبدیل شوند. با وجود آرایه‌ی شواهد لازم مبنی بر لزوم توجه به حق دانستن - برای دستیابی به مدارک و داده‌هایی که محقق را قادر می‌سازند به حقیقت پی‌ببرد - هشدارهایی، وجود دارند که باید متوجه‌شان بود:

محقق باید دلایل و انگیزه‌های مناسبی برای بر عهده گرفتن مسئولیت تحقیق داشته باشد و به زمان مدرسه و معلمان توجه کند. هر مدیر خردمندی منفعت کلی تحقیق را ارزیابی می‌کند. دسترسی به مذاکره و بحث<sup>۱</sup> وظیفه‌ی مهم محقق است و بخشی از این وظیفه، به توافق در مورد شرایط اجرا و مدیریت تحقیق اختصاص دارد. رسیدن به این توافق بحث‌های اخلاقی نظیر جنبه‌ی رازدارانه‌ی تحقیق، احترام به معلم و آسیب‌های احتمالی به مدرسه را مطرح می‌سازد. مخصوصاً باید مطمئن بود که محقق، فضایل لازم را برای انجام تحقیق دارد. عمل صحیح از منش‌ها و ویژگی‌های شایسته‌ی فرد سرچشمه می‌گیرند.

گفت و گو و مناظره که مک دونالد (۱۹۴۷) در مورد آن بحث کرده است، یکی از اصولی است که حالت دموکراتیک تحقیق و ارزیابی را تقویت می‌کند. اصولی که در زمینه‌ی دموکراتیک بودن تحقیق باید در نظر گرفت، به این شرح‌اند:

1. negotiating

اول، رعایت احترام به اشخاص (رعایت حقوق افرادی که مورد تحقیق قرار می‌گیرند). تا از آسیب‌های احتمالی به آنان در روند تحقیق جلوگیری شود.

دوم، رعایت اصولی که برای رسیدن به حقیقت ضروری‌اند. این اصول، حق کنترل صحیح گزارش‌ها و موضوعاتی که معلمان به آن دسترسی دارند و حق ارایه‌ی تفسیرهای گوناگون از شواهد و داده‌ها را شامل می‌شوند.

یکی از مواردی که باید به آن توجه شود، ارتباط بین آزادی نقد و رشد دانش و آگاهی است. گفت و گو و مناظره باید این جنبه‌ها را محقق نمایند. طرفداران پست‌مدرنیسم نیز به گفت و گو و مناظره توجه دارند. در حوزه‌ای که هم در مورد موضوعات صحیح و هم موضوعات دروغ بحث می‌شوند، (به علت پیچیدگی موضوعات و تشخیص ندادن همه‌ی افراد) اغلب، سردرگمی و آشفتگی بین بحث نشر دانش (و یا شرایطی که دانش پی‌گیری شود). و تبادل نظر درباره‌ی آنچه دانش قلمداد می‌شود، مشاهده می‌شود (مک دونالد، ۱۹۴۷).

مذاکرات، خوب و بد دارند و روند مذاکره همانند تجارت، اغلب به قدرت طرف‌های مذاکره‌کننده بستگی دارد؛ بنا بر این با توجه به اینکه اخلاق و سیاست‌های تحقیق درهم‌تنیده‌اند، پرسش‌های زیر را می‌توان مطرح کرد:

- تا کجا شخص می‌تواند جنبه‌ی محرمانه بودن تحقیق را حفظ نماید؟

- تا چه حد پاکسازی و پالایش یافته‌های تحقیق صورت گیرد تا استقلال و عینیت

تحقیق حفظ شوند؟

- آیا افرادی که می‌خواهند حقیقت را دریابند (والدین) نباید همانند معلمان حق

مصونیت از صدمات را داشته باشند؟

واضح است که هر اندازه جنبه‌ی محرمانه بودن نتایج و بحث‌های تحقیق افزایش یابد، به همان اندازه، محدودیت‌های حق اطلاع افزایش می‌یابد؛ بنا بر این، چه اصولی الزامات اخلاقی گوناگون را با هم سازگار می‌سازد؟ و چگونه این ملاحظات، در حالت‌های مختلف و متعارض با هم به کار برده می‌شوند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. محقق باید شناخت کامل و واضحی از تحقیق داشته باشد؛ البته در تحقق

پیش‌بینی تمام اطلاعات مورد نیاز ممکن نیست؛ اما لازم است افراد مورد تحقیق، از قبل

موارد مد نظر محققان و هدف آنها را بدانند. مذاکره در زمینه‌ی قرارداد تحقیق و راه‌های

دست‌یابی به اطلاعات و منابع جدید اطلاعاتی از جمله مواردی است که ممکن است نشود از ابتدا پیش‌بینی کرد.

۲. بسته به اهداف خاص تحقیق، نهادها و مردم باید ناشناس باقی بمانند. گاهی اوقات ممکن است لازم باشد برخی از نهادها (همراه با افرادی که مورد تحقیق قرار گرفته‌اند) داده‌ها و نتایج را قبل از انتشار و انتقال به دیگران کنترل نمایند؛ این امر بیانگر ترویج اصل اعتماد و محرمانه بودن تحقیق است... و اینکه آیا مراحل طی شده در تحقیق درست بوده، یافته‌های تحقیقات قابل دفاع هستند یا خیر؟

۳. محقق باید برای تحقیق و آزمون در زمینه‌هایی چون اهداف اصلی تحقیق، عینی بودن روش‌ها و پیامدهای سیاسی تحقیق، داده‌های جمع‌آوری شده و تفسیرهای انجام‌شده در مورد داده‌ها آماده باشد.

۴. در تحقیق باید فضایی را برای پاسخگویی فراهم نمود؛ زیرا افرادی که در تحقیق شرکت می‌کنند، ممکن است اعتقاد داشته باشند که داده‌ها باید از نتایج گوناگون حمایت کنند. محققان مصون از اشتباه کردن نیستند و اگر آزادی انتقاد و تفسیرهای گوناگون باشد، می‌توان اعتماد بیشتری به تحقیق داشت.

۵. محقق نمی‌تواند راه‌های احتمالی و ممکن انتخاب یافته‌های تحقیق را نادیده بگیرد. اغلب برای جلب حمایت طیف‌های مختلف سیاسی، یافته‌های تحقیق گزینشی انتخاب می‌شوند و این امر مشکلات اخلاقی بسیاری برای محقق به وجود می‌آورد؛ زیرا این یافته‌ها هرگز نمی‌توانند پیش از استفاده، قطعی باشند و به منظور حصول اطمینان، حق اطلاع مردم حفظ شود و دوباره، این موضوع، مسئله‌ی ارزیابی پیامدهای انتشار مطالب را در مقابل حق اطلاع افراد مطرح می‌سازد که آیا بهتر است نتایج در اختیار عموم قرار گیرند و مردم حق دارند از نتایج تحقیقات مطلع شوند یا این کار به صلاح جامعه نیست؟ آنچه مسلم است، التزام محقق به هدایت و راهنمایی مردم در تفسیر یافته‌های تحقیقات است.

## فضایل

فضایل<sup>۱</sup>، منش‌های (خصلت‌های) کلی انجام کارهای نیک در زمان مناسب هستند؛ بنا بر این، نشان‌دهنده‌ی ارزش‌ها یا سنت‌های فرهنگی یک جامعه‌اند؛ برای مثال، فتوت

1. virtues

(فداکاری) بیانگر رفتار مورد انتظار طبقه‌ی جوانمرد جامعه است و اشخاص فداکار، در مواقع سخت نیز به گونه‌ای مناسب عمل می‌نمایند. تسلیم محض مخصوص جوامع دیکتاتوری است و فضیلت یعنی علاقه‌مند بودن به انجام کارهای نیک؛ حتی زمانی که وسوسه‌ها و خواسته‌های شخصی و فردی مانعی برای شخص باشند.

عدالت توزیعی<sup>۱</sup> یعنی توزیع کالاهای نایاب بر اساس بخشندگی و در عین نیاز. افراد فضیلت‌مند تمایلات قوی برای انجام این کار دارند. شخص باشهامت، تعهدات اخلاقی‌اش را در هنگام خطر نیز رها نمی‌کند. تحقیق نیازمند فضایل اخلاقی و عقلانی مربوط به منش‌ها و تمایلات مربوط به انجام تحقیق به منظور کشف حقیقت است؛ حتی زمانی که نتایج این تحقیقات ناخوشایند باشد که افراد بافضیلت چنین تمایلاتی دارند.

حقیقت همیشه خوشایند نیست و اجر پیگیری آن ممکن است ناچیز باشد. علاقه به خود ممکن است محقق را وسوسه کند که بخشی از تحقیق را انجام ندهد یا در انجام آن، اقتصادی فکر نماید یا از انجام تحقیق در زمینه‌ی کشف حقیقت منصرف شود یا از ایده‌ای خاص پشتیبانی نماید؛ اما محققین واقعی و بافضیلت از انجام چنین کاری ناراحت می‌شوند. چنین رفتارهایی با احساسات حقیقی محققین واقعی، مغایرند؛ بنا بر این، چنین فضایل عقلانی‌ای، حامل آزادی انتقاد و روح همکاری هستند؛ زیرا در کشف حقیقت، موضوعات بیشتر جنبه‌ی اجتماعی دارند؛ نه فردی؛ بنا بر این، فضایل عقلانی نقش مهمی در کشف حقیقت دارند. محققان فضیلت‌مند (باشرافت) از هرگونه تلاش برای فریب دادن افکار عمومی با تغییر داده‌ها و اطلاعات، سرکوب انتقادات، از بین بردن داده‌ها و نتایج و اعمال مغرضانه و جانبدارانه متنفرند.

فضایل عقلانی، در برابر سرزنش‌ها و توجیهاتی که فرد را از انجام تحقیق باز می‌دارند و او را منحرف می‌سازند، مقاومت می‌نمایند. در چنین مواردی، فضایل عقلانی باعث می‌شوند فرد به انجام تحقیق ادامه دهد؛ حتی زمانی که انجام آن دشوار بوده، مورد پسند همگان نیست. راستگویی و صداقت در بیان نتایج ناراحت‌کننده، تأمین سلامت و رفاه افراد شرکت‌کننده در تحقیق، در نظر گرفتن آسیب‌های احتمالی برای افراد زودرنج و حساس، فروتنی در برابر دستاوردها، محسنات تحقیق، نتایج و انتقادات وارد بر آن و جدی گرفتن چنین انتقاداتی از مهم‌ترین خصوصیات فضایل اخلاقی هستند.

1. distributive justice

این مورد بیانگر اهمیت اعتماد<sup>۱</sup> است. مثال مشخص و واضح در مورد خیانت در اعتماد، قول و پیمان شکستن است؛ البته این نکته‌ی خاص در مورد لزوم حفظ قول و پیمان هست که جایی که تعهد اخلاقی و الزام‌آوری وجود نداشته نباشد، صرف قول و پیمان تنها، ارزشی نداشته، به سادگی از هم گسیخته می‌شود.

به نظر می‌رسد حفظ قول‌ها و پیمان‌ها، وظیفه‌ی اصلی یا اصل نخستین باشد؛ با وجود این، اعتماد بین فرد محقق و شخص مورد تحقیق (براساس اینکه چه اطلاعاتی به شخص داده شود و چه اطلاعاتی از او گرفته شود). در تعهدات واقعی به ندرت صریح است.

بیشتر اعتمادهای بی‌چون و چرا به اطلاعات، شخص را در وضعیت انتقاد (آسیب) پذیری قرار می‌دهد. این اعتمادهای نابجا موانعی جدی برای ارزیاب یا محقق حساس و زودرنج در جمع‌آوری اطلاعات هستند؛ البته بدون امتحان موارد خاص، اظهار نظر صحیح و تعیین کارهایی که باید انجام پذیرند، ممکن نیست. محقق بافضیلت به مشکلاتی آگاه است که دیگران به آنها توجهی ندارند. چنین محقق فاکتورهایی را مورد بحث، بررسی و توجه قرار می‌دهد که دیگران به آنها توجهی ندارند؛ البته در نظر گرفتن آزمون‌های اخلاقی برای محققین توانمند ممکن نیست.

با وجود اینکه به ندرت، درباره‌ی ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی صحبت می‌شود، وجود چنین منش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی بسیار ضروری است. با فقدان فضایل اخلاقی، اعتماد به نتایج تحقیقات مشکل است؛ زیرا تحقیق بسیار پیچیده است و همیشه در جریان آن، موضوع تأمین منابع مالی، ادامه‌ی همکاری پشتیبان‌ها در تأمین هزینه‌های تحقیق و وسوسه‌ها و تحریک‌هایی که در جریان تحقیق وجود دارند، پیامدهایی دارند و ممکن است محقق به دلیل آنها، بخشی از تحقیق را انجام ندهد.

### ارزش‌های دموکراتیک

واژه‌ی «گفت و گو و مناظره» این نکته را گوشزد می‌نماید که بحث اصلی تنها، درباره‌ی حق اطلاع، رعایت اعتماد و جنبه‌ی رازداری و محرمانه بودن افراد مورد تحقیق، خارج از زمینه یا چارچوب‌های سیاسی (زمینه‌هایی که قدرت و اعمال نفوذ بر مردم در آنها هست). نیست.

1. trust

بر رازداری در تحقیق بیشتر در زمینه‌های سیاسی تأکید می‌شود تا تحقیق در محیط‌های مدرسه و قضاوت‌های حرفه‌ای معلمان؛ بنا بر این، برای صاحبان قدرت، تحریف مطالب برای بهره‌برداری و اهداف سیاسی آسان است. داشتن آگاهی و شناخت عامل مهمی در برابر این اعمال قدرت (و در مواجهه با آن) است؛ اما تلاش برای اطلاع‌رسانی تنها به افراد علاقه‌مند به موضوع تحقیق محدود نیست؛ بلکه برای افرادی که علاقه‌مند به موضوع تحقیق نیستند، اما مایل به درک حقایق‌اند، نیز لازم است.

در بسیاری از نظام‌ها، بیش از پیش شاهد کنترل شدید دولت، در زمینه‌ی محتوا و انتشار مواد مورد تحقیق، از یک سو و از سوی دیگر، پیروی از دستورات و اصلاحات آموزشی مورد نظر دولت هستیم. چنان که سیمونز می‌گوید تأمین هزینه‌های تحقیقات تربیتی در زمینه‌های سیاسی توسط دولت انگلستان، سیاست‌های تحقیق را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و زمینه‌های اخلاقی تحقیق را تحت کنترل شدید خود قرار داده؛ به طوری که از کیفیت تحقیقات آموزشی کاسته است؛ بنا بر این، انتشار اطلاعات و آگاهی دادن به مردم می‌تواند به شکل‌دهی دانش و بهبود خط‌مشی‌های آموزشی منجر گردد. قراردادهای مذاکره با محقق و ارزیاب می‌توانند یک معامله<sup>۱</sup> برای تنفیذ قدرت سیاسی برای تغییر در مکانیسم توزیع و انتشار آگاهی (شناخت)<sup>۲</sup> باشند. دانش در خدمت تصمیم‌گیری و اراده‌ی افراد است و مذاکره‌کنندگان بانفوذ و قدرتمند افرادی هستند که از این دانش و آگاهی سوء استفاده کرده، تلاش می‌کنند تحقیق در خدمت مقاصد آنها باشد؛ بنا بر این، محققانی که با پشتیبان‌های قدرتمند و بانفوذ همانند ادارات دولتی قرارداد می‌بندند، لازم است به صداقت و درستی تحقیق در چنین قراردادهایی توجه داشته باشند. محققان تربیتی باید به مواردی همچون حق گزارش و عدم تغییر در مطالب تحقیق، حق کپی‌برداری از داده‌های تحقیق، حق عمومی شدن نتایج تحقیق<sup>۳</sup> و اتخاذ رویکرد تحقیقی مناسب بعد از تعمق، بحث و بررسی توجه داشته باشند (سیمونز، ۱۹۹۵، ص ۳۶).

آزادی انتقاد، دسترسی آزاد به اطلاعات، آزادی مناظره درباره‌ی موضوعات مورد علاقه‌ی عموم مردم از ویژگی‌های یک جامعه‌ی دموکراتیک هستند و همانند فضایل

1. trading  
2. knowledge  
3. the right to go public



انسانی، باید به دقت آموزش داده و حمایت شوند؛ زیرا برای صاحبان قدرت بسیار ساده است که از طریق سرکوب و اختفای مناظره‌ها، از منافع خود محافظت نمایند. علاوه بر آن، ارزش‌های جامعه در زبانی که ما برای گفت و گو در مورد موضوعات و مسائل عمومی استفاده می‌کنیم گنجانده شده، از فردی به فرد دیگر و یا از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

با وجود ارزش‌های متمایز و مشخص و فضیلت‌های گوناگون هنوز، کشمکش‌ها و تعارضاتی را در مورد ارزش‌ها و فضایل غیر دموکراتیک بوروکراسی که همواره، زمینه‌ی لازم را برای محدود نمودن تحقیق فراهم می‌کنند، مشاهده می‌نماییم و این مایه‌ی تأسف است؛ زیرا ارزش‌های دموکراتیک برای تحکیم سنت‌های تحقیق آموزشی - تربیتی ضروری هستند.

اگر معلمان خود جزء محققان باشند، چنین فضایی باید بتواند خصوصیات محیط مدرسه را نیز وصف نمایند. معلم محقق، نیازمند اجتماعی است که مشکلات را با آنها تقسیم نماید، راه‌حل‌های احتمالی را با کمک همدیگر مشخص سازند، عقاید و فرضیه‌ها را بررسی و امتحان نمایند، نتایج آزمایشی و موقت را بررسی و نتیجه‌گیری‌ها و روش‌های تحقیق را نقد و ارزیابی کنند. چنین مدرسی باید تربیت و ایجاد چنین جامعه‌ی تحقیقاتی را در دستور کار خود قرار دهند؛ اما این کار آسان نیست. تحقیق در هر سطحی ممکن است با خلق و خو و طینت‌های محقق مخالف باشد. تمایلات و گرایشات معمولی همچون دفاع از عقاید فرهیختگان بدون بررسی صحت و سقم آنها، نداشتن تمایل به پرسش‌های عمیق، بی‌اعتنا بودن به عذاب وجدان، شک نکردن و همه چیز را قطعی فرض کردن واقعیت‌های اطراف ما هستند. برای تغییر چنین تمایلات و ویژگی‌هایی، به تربیت دقیق منش‌های گوناگون نیاز داریم. منش‌ها و خصلت‌هایی همچون پیگیری حقیقت حتی زمانی که نتایج، دلخواه ما نیستند مانند منش و ویژگی گزارش دادن بدون ترس و باصراحت و منش صادق بودن نسبت به شواهد و نقدهای جدید؛ اما چنین فضایی انسانی‌ای تنها در صورتی که در جوامع به کار روند و بتوانند در ساختارهای سازمانی منتشر شوند، رشد و توسعه خواهند یافت.

### نتیجه‌گیری

پرداختن به ابعاد و ملاحظات اخلاقی تحقیقات و پژوهش‌های تربیتی، در کنار توجه به جنبه‌های شکلی، ماهیتی و روش‌شناختی انجام و پیشبرد پژوهش تربیتی، اهمیت والایی دارد؛ اگر چه متأسفانه، از این مهم هم نظریه‌پردازان مربوط و هم برنامه‌ریزان این حوزه غفلت کرده‌اند.

یکی از رسالت‌های نظام آموزشی و پژوهشی توجه کردن به تبیین وجوه اخلاقی انجام یک پژوهش، اعم از رعایت اصول و قواعد اخلاقی حاکم بر انجام یک پژوهش تربیتی و دادن تحقیقاتی در مورد این مهم سامان است تا خلأهای تئوریک موجود در این زمینه برطرف شوند. از سویی دیگر، صرف آگاه بودن از اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش‌های تربیتی، دیگر ضروریات انجام یک پژوهش را برطرف نمی‌کند. که همان توانمندسازی محققان از لحاظ داشتن صفات و فضایی است که اولاً، برای انجام یک پژوهش واقعی ضروری‌اند و ثانیاً، تضمین‌کننده‌ی تحقق اصول و قواعد اخلاقی حاکم بر انجام یک پژوهش هستند. فضایل و منش‌های شخصی یک محقق می‌تواند تعارض بین اصول و قواعد اخلاقی حاکم بر انجام یک پژوهش و موقعیت‌های خاصی را که محقق در آن قرار می‌گیرد، برطرف کند؛ تعارضی که امکان سوء استفاده‌ی صاحبان قدرت و یا پشتیبانان پژوهش را فراهم می‌کند. وظیفه‌ی نظام‌های آموزشی آموزش مهارت‌های لازم برای انجام یک پژوهش و تربیت محققانی است که واجد صفات، منش‌ها و فضایل مورد نظر باشند.

## منابع

- دیویی، جان. *اصول اخلاقی در تعلیم و تربیت*، ترجمه‌ی سید مهدی سجادی، انتشارات تربیت، ۱۳۷۳.
- یوسفی، علیرضا. *نظریات افلاطون و دیویی درباره‌ی تربیت اجتماعی و عقلانی*، پایان‌نامه (دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
- Bryman, A. "the debate about qualitative and quantitative research: A question of method or epistemology?" *The British Journal of Sociology*, No. 35, 1984.
- Burrell, B. & G. Morgan. *Sociological paradigm and organizational analysis*, Heinemann: United Kingdom, 1979.
- Goldstein, H. & K. Myers. K., Freedom of information: towards a code of ethics for performance indicators, *Research Intelligence*, No. 57, 1996.
- Hammersley, M. the relationship between qualitative and quantitative research, *Handbook of Qualitative research methods for psychological and the social science*, United Kingdom, 1998.
- Jackson, M. & Carter. In defence of paradigm incommensurability, *Organization Studies*, No. 12, 1991.
- Kohlberg, L. Recent work in moral education, in L. O. Ward (ed) *The Ethical Dimension of the School Curriculum*, Swansea:Pineridge Press, 1982.
- McDonald, B. Evaluation and the control of education, Centre for Applied Research in Education, Norwich, 1974.
- Mill, j. 'On Liberty'. in M. Warnock (ed) *Utilitarianism*, Collins, London, 1859.
- Power, C. & J. Reimer. 'Moral atmosphere': *New Directions for Child Development and Moral Development*, Jossey –Bass, San Francisco, 1978.
- Simons, H. *Towards a Science of the Singular*, University of East Anglia, Norwich, 1981.